

مجتبی ثقفی‌نیا

دانشجوی کارشناسی‌ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

دکتر غلامحسین دلاور^۱

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

اهمیت اصلاح نظام قضائی ایران بعد از انقلاب بر اساس فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی (ره)

چکیده

سلامت نظام قضائی هر حکومتی دارای اهمیت ویژه و مهمی می‌باشد، به طوریکه رعایت و اعمال قوانین و حمایت از حقوق شهروندان هر حکومتی مستلزم وجود دستگاه قضایی و دادرسی مستقل و بی طرف در آن می‌باشد، چرا که هسته مرکزی و اجرای عدالت در هر کشور، دادگستری آن می‌باشد که مرکب از قضات عالم، عادل و مستقل می‌باشد تا بتوانند وظیفه خطیر و سنگین خود را به نحو احسن انجام دهند. عدم وجود این هسته و ناسالم بودن قضات سبب بروز فساد در ارکان جامعه می‌گردد، چرا که قاضی غیر مستقل و فرمان‌پذیر توانایی نظارت و اعمال قوانین و به تبع آن، توانایی اجرای عدالت را ندارد و کشور و جامعه به ورطه سقوط و نابودی کشیده خواهد شد. در زمان پیامبر اکرم (ص)، یکی از مهم‌ترین ویژگی قضات استقلال آنان بوده به طوریکه هیچ مقامی حتی خلفا حق دخالت در امر قضاوت را نداشته‌اند.

واژگان کلیدی: امام خمینی ره، فرمان ۸ ماده‌ای، قضاوت، استقلال قضائی، نظام قضائی

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل نو پا بودن انقلاب و عدم استقرار دولت و همچنین وجود مشکلات مدیریتی فراوان در تمامی ارکان جامعه و نبود قانون اساسی مدون، تغییرات محسوسی در بدنه نظام و به خصوصی نظام قضایی صورت نپذیرفت، و رسیدگی به امور قضایی و شکایات مردم به طرق مختلف نظیر کمیته انقلاب اسلامی و به صورت کدخدانمنشی صورت می گرفت.

پس از تصویب قانون اساسی و با مشخص شدن ارکان حکومت جمهوری اسلامی ایران تا حدودی مشکلات و معضلات موجود به صورت شکلی مرتفع گردید. گرچه تا مرتفع شدن اشکالات و نواقص موجود جهت رسیدن به جامعه آرمانی مد نظر امام و مردم فاصله بسیار بود.

باگذشت حدود ۴ سال از تصویب قانون اساسی و استقرار و شکل گیری قوای سه گانه نظام و تغییرات شکلی صورت گرفته در اداره حکومت؛ حضرت امام (ره) در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۶۱ با توجه به اخبار و گزارشات رسیده مبنی بر ضعف عملکرد نظام قضایی و قوه قضاییه در احکام صادره و نقض برخی موارد قانون اساسی در حقوق حقه مردم، فرمان ۸ ماده ای معروف خود را در رابطه با اجرای صحیح قوانین و موضوعات مربوط به امور اجرائی کشور صادر و نکات مهمی را به مسئولان نظام مجدداً گوشزد و تذکر دادند. همچنین ایشان در رابطه با اجرای احکام اسلام در ادوار و زمانهای مختلف می فرمایند:

«احکام اسلام محدود به زمان و مکان نیست، تا ابد باقی و لازم الاجراست و تنها برای زمان رسول اکرم (ص) نیامده تا پس از آن نیز متروک شود. این حرف که قوانین اسلام تعطیل پذیر یا منحصر و محدود به زمان یا مکانی است بر خلاف اعتقاد اسلام است.» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۹)

در این مقاله قصد آن دارم تا اهم موضوعات مورد نظر حضرت امام خمینی (ره) در رابطه با نظام قضایی و اسلامی شدن قوه قضاییه نظیر تهیه و تصویب قوانین شرعی در نظام قضایی، رسیدگی به صلاحیت قضات و استقلال قضایی که در فرمان ایشان مورد تاکید قرار گرفته را بر اساس نظرات ایشان و دین مبین اسلام بیان نمائی ام.

سازماندهی تحقیق

۱- علت صدور فرمان

- ۲- بازخوانی فرمان
- ۳- موارد مهم مطرح در فرمان
- ۴- صفات قضات در اسلام
- ۵- صفات قضات در نظر امام خمینی
- ۶- صفات قضات در قانون اساسی
- ۷- استقلال قضات در اسلام
- ۸- استقلال قضات در کلام امام خمینی
- ۹- نحوه قضاوت و رعایت حریم خصوصی افراد در فرمان ۸ ماده ای
- ۱۰- نظام قضائی در وصیت نامه
- ۱۱- نظرات فقهی امام خمینی در باره قضاوت
- ۱۲- نتیجه

علت صدور فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام خمینی (ره)

پس از پیروزی انقلاب و رأی موافق مردم به جمهوری اسلامی، با توجه به اهمیت موضوع رعایت حریم خصوصی، استقلال قضات و درخواستهای انقلابی مردم؛ حضرت امام خمینی از آنجاییکه نقض حریم خصوصی را در زندگی شخصی خودشان در زمان مبارزات علیه رژیم شاهنشاهی لمس نموده بودند و به موضوع و نظرات اسلام پیرامون این قضیه وقوف کامل داشتند، و نقض این حریم را مخالف با کرامت انسانی و دستورات و توصیه‌های دین مبین اسلام می‌دانستند، در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ یعنی پس از گذشت نزدیک به چهار سال از پیروزی انقلاب اسلامی، پس از دریافت گزارش‌هایی مبنی بر تخلفات صورت گرفته در برخورد با متهمین و عدم رعایت حریم خصوصی شهروندان، عدالت و انصاف در احکام صادر شده توسط قضات، فرمان هشت ماده‌ای خود را خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکرد آنان صادر فرمودند (امام خمینی ۱۳۷۸: ۱۷/۱۳۹).

حضرت امام بر این باور بودند که این انقلاب با پشتوانه و رأی مردم به ثمر رسیده و مردم صاحبان اصلی آن هستند، هدف مردم از این انقلاب ایجاد تغییر و اصلاح نظام بر پایه قوانین اسلام بوده است. پس چگونه می‌توان انقلاب کرد و تغییری در سیستم حاکم و اجرائی حکومت انجام نداد و قوانین آن همان قوانین گذشته باشد، ادارات آن همان ادارات گذشته باشد، مگر مردم به دنبال تغییر اوضاع و قوانین و مقررات نبوده‌اند؟

آیت الله هاشمی رفسنجانی نیز مهم‌ترین عامل صدور فرمان هشت ماده‌ای را بر خاسته از نگرانی امام (ره) برای تندروی‌هایی می‌داند که به اسم انقلاب و اسلام، امنیت اجتماعی مردم را مخدوش می‌کردند، همچنین فرمان هشت ماده‌ای امام مترقی‌ترین متن برای حقوق شهروندی و منشور کاملی برای حکومت اسلامی می‌باشد که اگر درست اجرا شود، نظام اسلامی الگوی نظام حقوق بشری خواهد بود.

بازخوانی فرمان ۸ ماده ای امام خمینی (ره)

بسم الله الرحمن الرحيم

در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگان‌های دولتی بویژه دستگاه‌های قضائی و لزوم جانشین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. امید است ان شاء الله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند.

۱- تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ آن‌ها با دقت لازم و سرعت انجام گیرد و قوانین مربوط به مسائل قضائی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیشتری برخوردار است در رأس سایر مصوبات قرار گیرد که کار قوه قضائیه به تأخیر یا تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نشود، و ابلاغ و اجرای آن نیز در رأس مسائل دیگر قرار گیرد.

۲- رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان‌ها و دادگاه‌ها با سرعت و دقت عمل شود تا امور شرعی و الهی شده و حقوق مردم ضایع نگردد و به همین نحو رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بی طرفی کامل بدون مسامحه و بدون اشکال تراشی‌های جاهلانه که گاهی از تندروها نقل می‌شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند. و میزان، حال فعلی اشخاص است با غمض عین از بعض لغزش‌هایی که در رژیم سابق داشته‌اند مگر آن که با قرائن صحیح معلوم شود که فعلاً نیز کارشکن و مفسدند.

۳- آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاه‌های انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پر اهمیت خود ادامه دهند و مأمورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار احساس آرامش قضائی نمایند و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی

جان و مال و حیثیت آنان در امان است. و عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضائیه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگان‌های نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد.

۴- هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

۵- هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی.

۶- هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.

۷- آن چه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی گناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خراب کاری و افساد فی الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند و هم چنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضائی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها، چرا که تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنان چه مسامحه و سهل انگاری نیز نباید شود. و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت

که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند. و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آن چه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضائی معرفی کنند. و هم چنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادر کننده و اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.

۸- جناب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور و جناب آقای نخست وزیر موظفاند شرعاً از امور مذکوره با سرعت و قاطعیت جلوگیری نمایند و لازم است در سراسر کشور، در مراکز استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها هیأت‌هایی را که مورد اعتماد و وثوق می‌باشند انتخاب نمایند و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین اجرا، چه نسبت به حقوق و اموال آنان سر می‌زند بدین هیأت‌ها ارجاع نمایند و هیأت‌های مذکور نتیجه را به آقایان تسلیم و آنان با ارجاع شکایات به مقامات مسئول و پیگیری آن متجاوزین را موافق با حدود و تعزیرات شرعی مجازات کنند. باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم الاوصیا و بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و پشتیبانی بی نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواستہ به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی توجه به معنویات صادر

شود. باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند و قوه قضائیه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است. از خداوند کریم خواهانم که همه ما را از لغزش‌ها و خطاها حفظ فرماید و جمهوری اسلامی را تأیید فرموده و آن را به حکومت عالمی قائم آل محمد (ص) متصل فرماید. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳۹/۱۷)

(انه قریب مجیب)

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسی الخمینی

موارد مهم مطرح در فرمان امام خمینی در رابطه با نظام قضائی

- ۱- تهیه قوانین شرعی و تصویب آن و جلوگیری از تضییع حقوق مردم (بند ۱)
- ۲- رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان‌ها (شرایط و ویژگیها) (بند ۲)
- ۳- استقلال قضات و دادستان‌ها (بند ۳)

صفات قضات از نظر اسلام

۱- بلوغ

اولین ویژگی برای قاضی، بلوغ است و اکثر فقها براین موضوع اتفاق نظر دارند و نسبت به آن ادعای اجماع کرده‌اند، البته فقهای پیشین به جای بیان صفت بلوغ از عبارت کمال استفاده نموده‌اند و اگر معنای این دو کلمه را یکی بدانیم به جرات می‌توان گفت که تمامی فقها اعم از قدما و متجددین بر بلوغ اتفاق نظر دارند.

۲- عقل

دومین ویژگی عقل است که تمام فقها آن را برای قاضی لازم و ضروری می‌دانند، در نتیجه حکم دیوانه صحیح و نافذ نیست. در اصل مساله هیچ گونه اختلافی وجود ندارد، اما در مورد افرادی که گاه در حالت صحت و سلامتی بسر می‌برند و گاه در حالت جنون (مجنون ادواری) اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای قضاوت این افراد را در حالت صحت و

سلامتی، نافذ و صحیح می‌دانند؛ اما عده‌ای دیگر از فقها قضاوت این افراد را چه در حالت صحت و سلامتی و چه در حالت جنون صحیح و نافذ نمی‌دانند.

۳- ایمان

یکی دیگر از ویژگی‌های قاضی، ایمان است. بدین معنا که قاضی باید شیعه و دوازده امامی باشد؛ در نتیجه قضاوت کافر و فاسق نافذ نیست.

۴- عدالت

تمامی فقها متفق القول قائل به وجود این شرط در قضات می‌باشند.

۵- طهارت مولد

طهارت مولد، در اصطلاح فقه و در میان فقها به همان معنایی است که اهل لغت در کتب لغت ذکر کرده‌اند؛ یعنی حلال‌زاده باشد.

۶- علم (اجتهاد)

یکی دیگر از شرایط قاضی، علم است و مراد فقها از علم، اجتهاد است همان‌طور که بعضی از فقها به آن تصریح نموده‌اند. این اجتهاد یا مطلق است و یا متجزی.

۷- ذکور بودن

باید مرد باشد و زنها حق قضاوت ندارند. (البته در این قسم بین فقها اتفاق نظر نمی‌باشد)

این شرط نیز به مانند بعضی دیگر از شرایط در میان متاخران شهرت یافته است؛ اما عده‌ای از متقدمان چنین شرطی را ذکر نکرده‌اند. (حبیبیان، بی تا، ۲۵)

۸- از دیگر شرایط قاضی به اجماع فقها، قادر بودن بر نوشتن، آزادی و بینایی، و بنا بر

قول مشهورتر، قدرت بر گویایی و غلبه حافظه بر فراموشی می‌باشد. (شیروانی، ۱۳۹۲: ۵/۱۵۰)

به جهت اهمیت قضاوت در اسلام و خطیر نامیده شدن این منصب، لازم می‌آید اشخاص تحت شرایط و صفات خاصی که در اسلام برای این مهم پیش بینی و بیان گردیده انتخاب شوند. اهمیت این موضوع تا حدی است که در اسلام، قبول منصب و مسئولیتی که مناسب شأن و جایگاه انسان نیست از بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده است.

پیامبر اسلام در این رابطه می‌فرماید:

کسی که امری از مسلمین را عهده دار می‌باشد در حالی که برتر از او در میان مردم وجود دارد به خدا و رسولش و به همه مسلمین خیانت کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۰: ۵۲۷)

به همین خاطر منصب قضاء که از اعظم مناصب، و در رابطه با جان، مال و آبروی مردم است با توجه به روایات در این باب باید به اهلش واگذار شود. (محمدی گیلانی، ۱۳۷۸: ۲۰)

حضرت امام صادق - علیه السلام - می‌فرمایند:

قضات چهار گروه‌اند که سه گروه از آنان اهل آتش و دوزخ‌اند و یک گروه از آنان اهل بهشت.

اما سه گروه که اهل دوزخ‌اند عبارت‌اند از:

- ۱- مردی که قضاوت ظالمانه نموده در حالی که می‌دانسته؛
 - ۲- مردی که قضاوت ظالمانه نموده در حالی که نمی‌دانسته؛
 - ۳- مردی که قضاوت به حق نموده ولی عالم به امور قضایی نبوده؛
- اما مردی که قضاوت به حق نموده در حالی که عالم به امور قضایی بوده پس او در بهشت است. (کلینی، ج ۷، ص ۴۰۷)
- حضرت علی - علیه السلام - در فرمان خود به مالک اشتر برای انتخاب قاضی می‌فرمایند:

«... پس برای قضاوت و داوری بین مردم بهترین کسانی را انتخاب کن که:

- ۱- انبوه کارها بر او سخت نیاید و از عهده انجام آن‌ها برآید؛
- ۲- طرفین متخاصم در ستیزه و لجاج رأی خود را بر او تحمیل نکنند؛
- ۳- در صورت اشتباه، بر اشتباه خود اصرار نرزد و جانب حق را بگیرد؛
- ۴- طمعکار نباشد، زیرا طمعکاری مانع احقاق حق است؛
- ۵- در قضاوت به اطلاعات سطحی اکتفا ننماید؛
- ۶- در موارد شبهه تا کشف حقیقت درنگ و تأمل نماید؛
- ۷- در صدور احکام متکی به دلایل قطعی باشد؛
- ۸- کمتر از همه از مراجعه دادخواهان به تنگ آید؛
- ۹- در کشف حقایق صبور باشد؛
- ۱۰- پس از روشن شدن موضوع، حکم قاطع صادر نماید؛
- ۱۱- تملق و چاپلوسی و حيله و خدعه او را به هر سو نکشاند؛ و البته این چنین کسانی کمیاب‌اند.» (فیض الاسلام، بی تا، ۱۰)

صفات و ویژگی قضات، در کلام و نظرات امام خمینی (ره)

امام خمینی نیز با توجه به اینکه فقیه و حاکم حکومت اسلامی بودند، در بعد فقاہت موارد ذکر شده و مورد نظر اسلام را در کتب فقهی خود مطرح نموده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۲۹۷) و از نظر حاکم حکومت اسلامی به بسط و بررسی آن در جامعه در موارد مختلف و مبتلا به پرداخته‌اند. با بررسی نظرات و سخنان ایشان، قبل از انقلاب پیرامون مسائل قضایی، سیر تکاملی و تغییر رویه نظرات ایشان از جنبه صرفاً فقهی به جنبه عملی و اجرائی در حکومت اسلامی واقف می‌گردیم. نمونه بارز آن نظر ایشان در رابطه با شرط اجتهاد قضات می‌باشد که پس از مدتی به جهت وجود مشکلات اساسی در انتخاب قضات، و کمبود افراد واجد شرایط اجتهاد و همچنین، استنکاف مجتهدین وقت از پذیرش این عمل به دلیل ظرافت و دشواری امر قضا، اجازه به کارگیری قضات غیر مجتهد را تا زمان فراهم شدن زمینه برای حضور قضات مجتهد صادر نمودند.

۱- اهمیت قضاوت توسط مجتهد اعلم

امام خمینی امر قضاوت را شایسته روحانیون و مجتهدین اعلم می‌دانست و اینکه این اشخاص بر اساس توصیه اسلام نیاز به نصب از طرف حکومت را نیز ندارند، ولی چون سیاست حکومت پهلوی عدم مداخله روحانیون در امور قضاوت بود، و این امر سبب دور بودن علما و نیروهای کارآمد از مسائل قضائی و عدم آمادگی آنان برای قضاوت به جهت اهمیت و جایگاه ویژه قضاوت را در پی داشت، در اوایل انقلاب نظام قضائی ایران با کمبود و بعضاً نبود قضات آگاه و خیره مواجه گردید. علی‌هذا امام با توجه به وضع موجود و ضرورت شکل‌گیری نظام قضایی دستور به کارگیری قضات مأذون را به صورت موقت و تا زمان رفع کمبود قضات مجتهد صادر نمودند.

شرایط قاضی هم خیلی زیاد است و ما امروز آن قدر قاضی که دارای همه شرایط باشند داریم، ولی خوب، مشغول‌اند به اینکه ان شاءالله تهیه کنند. لکن آن‌هایی که حالا متکفل هستند و تشخیص داده شدند، چه در قم و در تهران، به اینکه صلاحیت اینکه رسیدگی بکنند دارند، این‌ها باید بسیار توجه به این معنا بکنند که امروز آنکه هدف اولی است، روحانیت است. برای همه این دستجات آنکه هدف اولی است که می‌خواهند در جامعه این‌ها را منزوی کنند و کنار بگذارند روحانیین‌اند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۶۸/۱۴)

چه بسا اشخاصی هستند که اطلاع قضایی ندارند و خودشان را به طور قاچاق وارد کردند در قضا، قضا شرط دارد و باید نصب بشود از طرف علمایی که بزرگ هستند. اینطور نیست که هر کس هر جا برود قضا را متکفل بشود و حکم بدهد و حکم قتل بدهد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۳۷/۱۳)

... امور قضایی از باب اینکه قضاوت و یادگیری آن از حوزه‌ها سلب شده بود، و کسی هم فکر دخالت در آن نمی‌کرد، و از این جهت نقیصه زیاد داشت و دارد و با اینکه پیش از این من اجازه نمی‌دادم که با تقلید، قضاوت انجام شود، لکن چون کمبود داریم افرادی که با تقلید می‌توانند عهده دار این مساله باشند، مانعی ندارد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰۱/۱۸)

... اجرای حدود الهی باید زیر نظر مجتهد عادل انجام گیرد تا مبادا در حق هیچ کس حتی مجرمان و منحرفان از خدا بی خبر وزندانان گروهک‌های محارب با نظام نیز ظلمی روا داشته شود و خدای ناکرده از معیارهای اسلامی و حدود و تعزیرات مقرر تجاوز و مجری زائد برحد و تعزیر شرعی، رنجی بر وی تحمیل گردد.

هر یک از اشخاصی که متصدی هستند اگر مجتهد عادل باشند، مستقلاً می‌توانند و چنانچه مجتهد نباشند، آن‌ها به تعیین مجتهد - در یک زمانی که ما فاقد هستیم، افرادی که تمام جهات را مستجمع باشند، با تعیین مجتهد - تصدی می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۲/۱۳)

از جمله اصلاحات همین اصلاحات قضاوت است. قضاوت در اسلام نمی‌شود دست این‌ها باشد؛ دست این جمعیتی که حالا هست. کدام یکی این‌ها قاضی اسلامی هستند؟ کدام این‌ها؟ شما تشخیص می‌دهید که این‌ها قضاوت به آن ترتیبی که اسلام گفته قضاوت، قضاوت بکنند؟ حالا ما می‌گذریم از خیر اینکه مجتهد جامع‌الشرایط [باشند]، ما به اندازه این، قضاوت نداریم. به اندازه احتیاج نداریم. اما اشخاصی باشند که توجه داشته باشند به قضاوت اسلامی. بتوانند بفهمند این مقدار ولو از روی تقلید بتوانند بفهمند که قضاوت چه است. وضع قضاوت اسلامی چیست. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۲/۱۳)

۱- جایگاه و اهمیت قضاوت و قاضی

امام خمینی بر این باور بودند که سیستم قضایی به لحاظ ارتباط مستقیم با حوزه خصوصی مردم دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد و به کرار نسبت به این مهم به مسئولان قضایی تذکر و هشدار داده‌اند.

آن‌ها که متصدی امور قضایی هستند، توجه کنند به اینکه مساله بسیار مشکل و مهمی و پرمسئولیتی برعهده آن‌هاست. حتی مسئولیت قضیه قضا از همه مسئولیت‌هایی که در یک کشور هست بالاتر است؛ برای اینکه قاضیان، متصدی اموری هستند که جان مردم، مال مردم، نوامیس مردم، در گروکارهای آن‌ها وقضاوت آن‌هاست. وَالْقَاضِي عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۳۶/۱۴)

مساله قضا یک مساله مهمی است که سر و کارش با همه حیثیت کشور است و مسلمانان است. و آن قدری که اسلام درباره قضا سفارش کرده است، شاید کمتر در چیزهای دیگر سفارش کرده باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۳۴/۱)

۲- تربیت و گزینش قضات مؤمن و متعهد
اهمیت موضوع گزینش و تربیت قضات که لازمه اصلاح سیستم قضایی می‌شود از موارد مهم و پر بحث حضرت امام در بیاناتشان می‌باشد.

... من نمی‌خواهم بگویم که قضات سابق چه اشخاصی بودند و از چه صنف مردمی بودند. این را من نمی‌خواهم بگویم که حتی کمونیست هم تویشان بود! قاضی شرع، قاضی ای که می‌خواهد بر طبق موازین عمل کند، کمونیست است! و بدتر از آن هم تویشان بوده. حالا هم اینطور است؟... قاضی‌هایی که در آن وقت بودند - البته یک قشرشان که الآن هم در کار هستند این‌ها خوب بودند - آن تصفیه شده‌ها را مقایسه بکنید با این‌هایی که الآن هستند ... من می‌خواهم بگویم که مقایسه این دو تا را بکنیم. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲۶/۱۴)

... شما آقایان که در رأس قضا واقفید توجه کنید که همه با هم همصدا، همدل و کمک کار هم باشید، و بگذارید دادگستری که مدنظر شماست تصفیه شود. اشخاصی که مفسد هستند و اشخاصی که قضاوت نمی‌دانند و می‌خواهند برای خودشان دکانی باز کنند، و یا اهل کار قضاوت نیستند، این افراد تصفیه شوند و اشخاص صالح را جلب نکنند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱۷/۱۲)

از جمله اصلاحات همین اصلاحات قضاوت است. قضاوت در اسلام نمی‌شود دست این‌ها باشد؛ دست این جمعیتی که حالا هست. کدام یکی این‌ها قاضی اسلامی هستند؟ کدام این‌ها؟ شما تشخیص می‌دهید که این‌ها قضاوت به آن ترتیبی که اسلام گفته قضاوت، قضاوت بکنند؟ حالا ما می‌گذریم از خیر اینکه مجتهد جامع‌الشرایط [باشند]، ما به اندازه این، قضات نداریم. به اندازه احتیاج نداریم. اما اشخاصی باشند که توجه داشته باشند به قضاوت اسلامی. بتوانند بفهمند این مقدار ولو از روی تقلید بتوانند بفهمند که قضاوت چه

است. وضع قضاوت اسلامی چیست. اگر ما بخواهیم مسامحه کنیم در قضاوتش، در پاکسازی آنجا مسامحه نکنیم، تا آخر ما گرفتار هستیم. قضاوتمان گرفتار است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۰/۱۳)

از فرهنگیان و متصدیان تعلیم و تربیت و قضات و متصدیان دادگستری و دادگاه‌های انقلاب می‌خواهم که به مأموریت بزرگی که به آنان سپرده شده و مسئولیت عظیمی که به عهده گرفته‌اند توجه نمایند که با انحراف آن‌ها فرهنگ کشور به انحراف کشیده می‌شود و نوباوگان و جوانان که امید ملت و اسلام هستند، اماناتی بس بزرگ و شریف‌اند که خیانت در آن خیانت به اسلام و کشور است، و این نوباوگان و جوانانند که در آتیه، سرنوشت کشور به دست آنان است و باید تربیت صحیح اسلامی در جمیع مدارس به طور جدی اجرا شود تا کشور از آسیب مصون گردد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱۸/۱۴)

۳- ثابت قدم و شجاع بودن قضات

یکی از ویژگی‌های مهم قاضی از نظر امام خمینی ثابت قدم بودن و تحت تاثیر قرار نگرفتن قاضی در برابر شرایط و افراد و مسامحه نکردن در احکام و برخوردها می‌باشد و همچنین اهمیت منصب قضا به جهت ارتباط مستقیم با حریم خصوصی افراد از موارد مهم مورد نظر ایشان می‌باشد.

قاضی باید - جسارتاً عرض می‌کنم - قسی القلب باشد، تحت تأثیر واقع نشود. قاضی که نفسش جوری است که اگر - مثلاً - این مجرم یک قدری گریه کرد، یک قدری ناله کرد، یک قدر التماس کرد، تحت تأثیر واقع بشود، این نمی‌تواند قاضی واقع بشود یا اگر حس - مثلاً - انتقامجویی در قاضی باشد، آن هم نمی‌تواند قاضی باشد. قاضی یک نفر آدمی است که بدون اینکه هیچ نظری داشته باشد - راجع به قضیه - اگر برادرش را آوردند پیشش که قضاوت کند، همان طور باشد که اگر دشمنش را آوردند؛ یعنی، در قضا آنطور باشد. حکمی که می‌خواهد بکند بین برادرش و بین دشمنش، در حکم فرق نگذارد. نمی‌گویم در عوارض نفسانی، نخیر، در حکم؛ یعنی، همان طوری که برای برادرش حکم بحق باید بکند، برای دشمنش هم همان طور، علی السواء باشد پیشش همه. شما شنیده‌اید که حضرت امیر با آن ظاهراً یهودی بود که در محضر قاضی واقع شدند، در صورتی که حضرت امیر رئیس بود. وقتی که احضارش کرد، رفت پیش قاضی. قاضی وقتی که به ایشان گفت ابالحسن، اشکال کرد به او که نه، به آن هم هر چه می‌گویی به من هم همین‌طور بگو. این دستوری است برای همه ماها که باید در مسند قضا، یکی که نشست، همه ملت پیشش با یک نظر باشد.

تمام نظرش به اجرای عدالت باشد. عدالت، در دشمنش هم به طور عدالت، در دوستش هم به طور عدالت. نه اینجا مسامحه کند و نه آنجا سختگیری کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۵/۱۳)

قاضی پس از شرایط معتبره شرعیه باید در اجرای موازین قضایی سخت و صلّب باشد. نه تحت تأثیر عواطف و جوسازی‌های بی‌مورد واقع شود و از اجرای احکام خدا سرپیچد و نه با جوسازی‌های منحرفان و انتقامجویان، برخلاف موازین الهی از رحمت بر بندگان خدا دریغ کند که هر دو طرف افراط و تفریط برخلاف عدل الهی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵۶/۱۹)

قضاوت حق اشخاص دانشمندی است که قضاوت اسلامی را بدانند، عدالت داشته باشند، تقوا داشته باشند، بفهمند که با چه مطلبی سر و کار دارند؛ به چه کار بزرگی دارند مشغول می‌شوند. یک لغزش، گاهی یک کشور را از بین می‌برد و از آن طرف هم یک کار خوب یک کشور را روشن می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۳۲/۱۷)

۴- تبعیت از حکم شرع و برخورد قاطعانه در هنگام قضاوت

ویژگی دیگر بیانات امام تبعیت قاضی از احکام شرع می‌باشد. ایشان تصریح می‌نمایند که احکام باید بر اساس موازین شرع صورت گیرد و در صورت نبود دلایل متقن مبنی بر اتهام شخص، قاضی مجاز به نگهداشتن و بازداشت فرد نمی‌باشد.

قاضی باید یک آدم قاطعی باشد که در دو طرف قضیه قاطعیت داشته باشد. اگر یک کسی به حسب حکم شرع، باید این را کشت، ترحم نکنند؛ جایز نیست. اگر باید - فرض بفرمایید که - حبس و تعزیر بشود، تعزیر بکنند. و اگر یک کسی خدای نخواسته یک آدمی است که گناهکار نبوده است، بدون وقفه او را تبرئه کنند و بدون وقفه او را آزاد کنند. قاضی باید اینطور باشد، فکرش اینطور [باشد] نه رئوف و مهربان باشد که جنایتکارها را هم به او رأفت کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۲۴/۱۶)

مسئله قضا هم که می‌دانید چقدر مسئله مهمی است در شرع. سروکار شما با چه چیزهایی هست که همه حیثیت اشخاص در دست شماست. باید البته با کمال احتیاط، و با کمال قدرت. هم احتیاط باید در کار باشد؛ هم قدرت باید در کار باشد. کسی که مجرم است باید به جزای خودش برسد و توصیه از احدی قبول نباید بشود. من این را کراراً گفته‌ام، اگر از من توصیه برای کسی آمد، از دفتر من برای کسی توصیه آمد، از کسانی که به من مربوطاند توصیه آمد، بزنید به دیوار! قاضی نباید تحت تأثیر کسی باشد. قاضی آزاد است و باید در محیط آزاد عمل بکند. توصیه‌ها را هیچ به آن اعتنا نکنید. اگر یک وقت توصیه بحقی است که خوب، آن وقت شما البته باید توصیه بحق را رسیدگی بکنید. بر

فرض که توصیه هم نشود، باید رسیدگی بکنید. اگر خدای نخواسته یک توصیه ای است که ناحق است، هیچ نباید به آن اعتنا کرد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۷۲/۱۰)

۵- رعایت بی طرفی و انصاف

رعایت انصاف و عدالت در محکمه نیز از موارد مهم مورد اشاره امام می‌باشد. قاضی یک نفر آدمی است که بدون اینکه هیچ نظری داشته باشد - راجع به قضیه - اگر برادرش را آوردند پیشش که قضاوت کند، همان طور باشد که اگر دشمنش را آوردند؛ یعنی، در قضا آنطور باشد. حکمی که می‌خواهد بکند بین برادرش و بین دشمنش، در حکم فرق نگذارد. نمی‌گوییم در عوارض نفسانی، نخیر، در حکم؛ یعنی، همان طوری که برای برادرش حکم بحق باید بکند، برای دشمنش هم همان‌طور، علی‌السواء باشد پیشش همه. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۵/۱۳)

۶- رعایت عدالت و تقوا در قضاوت

... قضاوت حق اشخاص دانشمندی است که قضاوت اسلامی را بدانند، عدالت داشته باشند، تقوا داشته باشند، بفهمند که با چه مطلبی سر و کار دارند؛ به چه کار بزرگی دارند مشغول می‌شوند. یک لغزش، گاهی یک کشور را از بین می‌برد و از آن طرف هم یک کار خوب یک کشور را روشن می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۳۲/۱۷)

شرایط و صفات قاضی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱- ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران. در عبارت قانون، شرط «بلوغ و عقل» به علت روشن بودن ذکر نشده است. از طرفی مفهوم «عدالت» متضمن تعهد عملی به موازین اسلامی و وفاداری به نظام هم هست و عدالت نمی‌تواند از این مفاهیم تفکیک شود. با وجود این، به دلیل آن که در نصب قاضی جهات ملموسی باشد که شورای عالی قضایی دچار تردید و شک نشود به آن اشاره شده است.

۲- طهارت مولد (حلال‌زادگی).

۳- تابعیت ایران و انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت قانونی.

۴- صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر.

دارا بودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضایی یا اجازه قضا از جانب شورای عالی

قضایی. (کاتوزیان، ۲۷۶/۶)

استقلال قضائی در اسلام

یکی از اصول و موضوعات مهم مورد نظر اسلام در رابطه با قضاوت، مسئله استقلال قضات از حکومت می‌باشد. رعایت این اصل رابطه مستقیم با اجرای عدالت و صدور حکم بر اساس قوانین اسلام دارد چرا که اگر قاضی در رأی خود استقلال نظر نداشته و توصیه‌پذیر باشد خدشه‌ای جبران‌ناپذیر بر عدالت، که یکی از پایه‌های اصلی حکومت است وارد می‌آورد. دین اسلام به لحاظ اهمیت موضوع اجرای عدالت و استقلال قضات، و به جهت جلوگیری از شیوع فساد و بی‌عدالتی در جامعه و همچنین مصون ماندن قضات از احکام صادره صحیح در تقابل با بی‌عدالتی و ظلم، توصیه‌ها و راه کارهای مهم و جامعی را بیان نموده است.

استقلال قضایی در قرآن کریم

خداوند متعال در رابطه با استقلال نظام قضایی در قرآن کریم قضات را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: ای اهل ایمان نگهدار عدالت باشید و برای خدا یعنی موافق حکم خدا گواهی دهید. هر چند بر ضرر پدر و مادر و خویشان شما باشد، برای هر کس شهادت می‌دهید چه فقیر چه غنی شما نباید در حکم و شهادت طرفداری از هیچکدام کرده و از حق عدول نمایید که خداوند به رعایت حقوق آن‌ها اولی است. پس شما در حکم و شهادت پیروی هوای نفس نکنید تا عدالت را نگه دارید و اگر زبان را در شهادت طوری بگردانید و یا از بیان حق خودداری کنید خداوند به هر چه می‌کنید آگاه است» (سوره نساء، آیه ۱۳۵)

با تأکیدی که بر اجرای عدالت در این آیه شریفه صورت گرفته نشان از اهمیت آن و به تعبیری، پشتوانه و لازمه استقلال قضات، اجرای عدالت و در نظر داشتن حق الله و حق الناس در احکام صادره بدون ترس و واهمه از حکومت و یا ایادی آن می‌باشد.

مصادیق استقلال قضایی در صدر اسلام

• منصوب شدن امیرالمؤمنین (ع) از طرف حضرت محمد (ص) به امر قضاوت. پیامبر (ص) در این انتصاب پیرامون قضاوت فرمودند: در برخورد با دو طرف دعوی بیطرفی کامل را رعایت کن و به سخنان هر دو طرف دقیق گوش بده و بر طبق کتاب خدا و گفتار و کرداری که از پیامبر به یاد داری حکم کن. (حرعاملی، ۲۱۲/۴)

• معاذ بن جبل به عنوان قاضی از طرف پیامبر اسلام (ص) در یمن منصوب شده بود؛ وی در جواب سؤال حضرت چنین گفت: وقتی حکم واقعی و یا مسئله ای را در کتاب و سنت نیابم به اجتهاد عمل می‌کنم و در کار خود کوتاه نمی‌آیم.

پیامبر نیز در تأیید حرف وی فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَ رَسُولَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَا يُرْضَى رَسُولَ اللَّهِ» (نعمتی، ۱۳۸۴: ۴۸)

استقلال قضایی از نگاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

بی شک سلامت نظام قضایی منوط به استقلال قاضی و تأمین نیازهای او می‌باشد. حضرت علی (ع) نسبت به استقلال قاضی اهمیت ویژه ای قائل بودند و در همین رابطه به مالک اشتر فرمودند:

«با جدیت هرچه بیشتر، قضاوت‌های قاضی منصوب خویش را بررسی کن و در بذل و بخشش به او، سفره سخاوت را بگستر، آنچنان که نیازمندی‌اش از بین برود و حاجت و نیازی به مردم پیدا نکند. از نظر منزلت و مقام آن قدر مقامش را نزد خود بالا ببر که هیچ کدام از یاران نزدیکت، به نفوذ بر او طمع نکند و از توطئه این گونه افراد نزد تو در امان باشد و بداند موقعیتش از او بالاتر نیست که بخواهد از او شکایتی بکند». (صبحی، ۱۳۷۰: نامه ۵۳، بخش ۶۹) می‌توان حضور حضرت را در محکمه شریح قاضی دلیل بر ادعای استقلال قضات دانست.

استقلال قضائی در بیان و کلام امام خمینی (ره)

۱- عدم توصیه پذیری قضات

کسی که مجرم است باید به جزای خودش برسد و توصیه از احدی قبول نباید بشود. من این را کراراً گفته‌ام، اگر از من توصیه برای کسی آمد، از دفتر من برای کسی توصیه آمد، از کسانی که به من مربوط‌اند توصیه آمد، بزیند به دیوار! قاضی نباید تحت تأثیر کسی باشد. قاضی آزاد است و باید در محیط آزاد عمل بکند. توصیه‌ها را هیچ به آن اعتنا نکنید. اگر یکوقت توصیه بحقی است که خوب، آن وقت شما البته باید توصیه بحق را رسیدگی بکنید. بر فرض که توصیه هم نشود، باید رسیدگی بکنید. اگر خدای نخواستہ یک توصیه‌ای است که ناحق است، هیچ نباید به آن اعتنا کرد. در هر صورت قاضی مستقل است و خودش باید نظر بدهد؛ لکن خدا را شاهد ببیند. این قلمی که دست می‌گیرد قلمی است که ممکن

است که آبروی یک مُسَلِمی را از بین ببرد؛ و ممکن است احقاق حقی بکند و همین طور در همه امور باید خدای تبارک و تعالی را ناظر و حاضر ببینید. (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۸۶/۹)

۲- تبعیت از نظم اداری

راجع به نظم و اینکه روی یک موازین باشد. شورای قضا اگر یک چیزی را گفت، شما نگویند که من خودم مستقلم و می‌خواهم چه بکنم. این غیر نظم است، این نظم نیست. هر کس در خودش اینطور می‌بیند که اگر بیاید گوش نمی‌دهد به اینکه یک نظمی باشد، برایش جایز نیست تصدّی این امر؛ برود کنار، الزامی نیست هر کس که به خودش این را می‌بیند که وقتی آمد روی موازین عمل بکند و روی نظام عمل بکند و شورای قضایی اگر یک چیزی را گفتند بپذیرد، ان شاء الله مأجور باشد پیش خدای تبارک و تعالی. این را شما یکی از عبادات حساب بکنید که قوه قضاییه هستید و قضا می‌کنید و احقاق حق می‌خواهید بکنید، این یکی از عبادات الهی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/۱۳)

۳- مفهوم استقلال قضا، استقلال رأی و برخورد قاطع

...آقایان قضا و واجد شرایط اسلام، چه در دادگستری و چه در دادگاه‌های انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند، و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پر اهمیت خود ادامه دهند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/۱۰۵)

از نکاتی که تذکر بدهم این است که قوه قضاییه همان طوری که آقا (آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس اسبق دیوان عالی کشور) فرمودند یک قوه مستقل باید باشد. یعنی در همه جای دنیا این اسم هست که قوه قضاییه مستقل است. حالا مادر کشور خودمان که استقلال داده است اسلام به قوه قضاییه و قاضی و قوه قضاییه مستقل است و هیچ کس نباید در آن دخالت بکند. قضا نباید گوش به هیچ کس بدهند جز آنکه برای خدا کار خودشان را انجام بدهند، حق را ملاحظه نکنند. اگر فرض کنید که یک جایی را دیدند حق است، اگر تمام کشور ایران به آن‌ها چیز بکنند که به آن طرف حکم بدهید، نکنند. خدا اینطور مقرر فرموده است، باید شما به حق برسید. کار به اینکه این رفیق فلان است، این دوست فلان است، این پسر فلان است، این خود فلان است، خیر، کاری به این کارها نداشته باشید. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷۰/۱۸)

قوه قضاییه، که ملجأ و پناهگاه مردم ستم‌دیده است، قوه‌ای است مستقل و هیچ مقامی حق دخالت در آن را ندارد. و اگر کسانی پیدا شوند که ندانسته در امور قضایی دخالت

می‌کنند، باید بدانند که برخلاف دستورات شرعیه و نظام جمهوری اسلامی عمل کرده‌اند. و اگر دانسته تخلف می‌کنند، مستحق عقاب و تعقیب هستند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۳۴/۱۸)

من باز عرض می‌کنم که استقلال قضایی معنایش این است که اگر قاضی حکمی کرد، احياناً رسیدگی به آن حکم مرجع دارد و غیر از آن، هیچ کس حق دخالت ندارد. من امیدوارم که آقایان در قوه قضاییه موفق باشند که به طور شایسته و با قدرت عمل کنند، و امیدوارم ملت و مجلس و دولت هم پشتیبان آنان باشد که خدای نخواستہ صدمه‌ای به آن وارد نشود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸۷/۱۹)

۴- استقلال و جایگاه منصب قضا

قاضی مستقل است و خودش باید نظر بدهد لکن خدا را شاهد ببیند قاضی نباید تحت تأثیر کسی باشد قاضی آزاد است و باید در محیط آزاد عمل کند توصیه‌ها را هیچ به آن اعتنا نکنید اگر یک وقت توصیه بحقی است که خوب، آن وقت شما البته باید توصیه به حق را رسیدگی کنید... استقلال قضائی معنایش این است که اگر قاضی حکمی کرد احياناً رسیدگی به آن حکم مرجع دارد و غیر از آن هیچ کس حق دخالت ندارد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲۱/۱۹)

در هر صورت قاضی مستقل است و خودش باید نظر بدهد؛ لکن خدا را شاهد ببیند. این قلمی که دست می‌گیرد قلمی است که ممکن است که آبروی یک مسلمی را از بین ببرد؛ و ممکن است احقاق حقی بکند. و همین طور در همه امور باید خدای تبارک و تعالی را ناظر و حاضر ببینید. قضاوت در اسلام که حفظ حقوق ناس است و حقوق الله، دو صورت دارد: یک صورت قضاوتی که قاضی مستقل در قضاست. یعنی قاضی که در اسلام استقلال قضایی دارد، شرایط سنگینی دارد که من در ایران افراد کمی را سراغ دارم که حائز چنین شرایطی باشند. مجتهد عادل بر جهات قضا که در همه جهات بیطرف باشد. پیش او رئیس جمهور و یک کارگر ساده فرق نکند. این از اموری است که قاضی مطلق باید دارا باشد. و من هم کم سراغ دارم. یعنی در حوزه‌های علمیه هم کم سراغ دارم. یک قسم از قضاوت هم در شرع هست که قضاوت قاضی مستقل نیست، و قاضی را جعل می‌کنند. در قسم اول، قاضی مجتهد جامع‌الشرایط است، و لازم نیست که هیچ کسی او را نصب کند. ولی در قسم دوم، در بعضی از احوالی که قضاوت زیاد است و افراد به آن زیادی نیستند که بتوانند همه مراکز قضاوت را قاضی واجد همه شرایط گذارند، و قاضی واجد شرایط کم است، در این صورت فقیه مجتهد عادل اشخاصی را که مورد اطمینان هستند، که اجتهاد را نمی‌دانند ولی از

روی کتاب‌هایی که در این باب نوشته شده است می‌توانند مسائل قضا را بفهمند و مورد اطمینان هم هستند و ظاهراً عدله هم هستند، این‌ها را فقیه نصب می‌کند که قضاوت کنند. این قضاوت هم در اسلام از این جهت، این آقایان بعد از آنکه اشخاص را پیدا کردند مورد اطمینان و مطلع بر موازین قضا، ولو از راه تقلید باشند، آن وقت جعل قضاوت برایشان می‌کنند، و از طرف من هم مجازند که جعل قضاوت بکنند تا قضاوت شرعی بشود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲/۲۱۳)

نحوه قضاوت و رعایت حریم خصوصی افراد در فرمان ۸ ماده‌ای

- ۱- عدم توقیف و احضار خودسرانه اشخاص بدون دلیل و حکم قاضی
هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید هرچند مدت توقیف کم باشد توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/۱۴۰)
- ۲- عدم جواز ورود به حریم خصوصی و منازل مردم
هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/۱۴۰)
- ۳- ممنوعیت تجسس در احوال شهروندان
تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروه‌های خرابکار مطلقاً ممنوع است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/۲۲۱)
- ۴- عدم جواز تصرف در اموال مردم
هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف یا مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع آن هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/۱۴۰)
- ۵- عدم جواز اهانت به مجرم
اهانت کردن به یک آدمی ولو این آدم خودش یک آدم مخالف باشد باز حق اهانت نیست. همه باید بدانیم که مجرمی که بالاترین جرم را دارد و به سوی چوبه دار می‌رود و جز اجرای حد شرعی احدی حق آزار او را لفظاً و عملاً ندارد و مرتکب خود ظالم است و مستحق کیفر. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰/۲۷۴)
- ۶- تساوی افراد در مقابل قانون

در اسلام برای مجازات مجرمین فرقی بین گروه‌ها نیست و همه در برابر قانون برابر هستند.

۷- تساوی افراد در نحوه برخورد قاضی با آنان

از آداب قضای اسلامی یکی این است که وقتی نگاه هم می‌خواهند بکنند به طرفین یکی را بیشتر نگاه نکنند از دیگری، علی السواء باشند در نشستن جوری نباشد که یکی بالاتر بنشینند یکی پائینتر. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴/۱۱)

۸- عدم جواز صدور حکم در حال غضب و خشم

قاضی اگر چنانچه در حال غضب باشد نباید حکم بدهد برای این که حکم در حال غضب حکمی است که از منشاء عقلی و شرعی صادر نمی‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۶۵/۱۴)

۹- اصل عدالت

به موجب آیه شریفه (ان الله یأمرکم) باید هر امری از امور حکومت بر موازین عدالت یعنی برمبنای قانون اسلام و حکم شرع باشد قاضی حکم به باطل نکند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۴/۱۷)

۱۰- قضاوت شرعی و جلوگیری از اطاله دادرسی

اینطور قضاوت‌هایی که محکوم می‌کردند مردم را روی یک همچو روابطی که درست می‌کردند، یا هر چیزی که بود، رشوه‌خواری در کار بود، این‌ها باید از بین برود. طرز دادگستری را باید شماها بنشینید با هم، قضا و شماها و همه، تفکر کنید و طرز دادگستری را طوری کنید که این مراتب نباشد: امروز حکم بکنند فردا برود آنجا، بعد برود آنجا، بعد از سر برگردد اینجا، دوباره برود آنجا! این‌ها همه تضييع اوقات است و تضييع اموال است. این‌ها باید اصلاح بشود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۷/۱۲)

۱۱- لزوم تحقق قضاوت شرعی

در قضیه‌ای که در قانون اساسی می‌گوید که این دو مقام، که مقام دادستان کل و رئیس دیوان عالی کشور باشد، باید رهبر با مشورت قضات این کار را انجام دهد، از دو جهت موضوع دارد: یک جهت اینکه مشورت در وقتی است که شبهه باشد. در امری که شبهه نیست مشورت هم نیست. هر امری که مورد شبهه باشد بین چند نفری که مثلاً بخواهند دادستان کل باشند، و این چند نفر مورد اشتباه، که هر کدام چطورند، در مورد این اشتباه باید با قضات مشورت کنند، ولی اینجا موضوع ندارد. از باب اینکه مورد اشتباه من هم نبود. من این دو نفر آقایان (آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور و شهید آیت الله دکتر

بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور) را منصوب کردم به این دو مقام عالی با سوابق طولانی و ادراک اینکه همه جهات در آن‌ها هست. از این آقایان خواستم که این کار را بکنند، و در مرکزی که در اسلام جزء طراز اول مراکز با اهمیت اداری است حاضر شوند. وضع این اداره را از سابقش بیرون بیاورند و به یک قضاوت اسلامی متحولش کنند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵/۱۷)

۱۲- قضاوت باید الهی، اسلامی، علوی و عادلانه صورت گیرد
آرزوی ما این است که یک کشور اسلامی بشود؛ و همه مسائلی مسائل اسلامی باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸/۱۶۶)

اگر این قوه قضاییه درست بشود، بسیاری از مشکلات کشور درست می‌شود. مردم سروکار دارند. با این قوه، با دادگستری سروکار دارند. و به شما آقایان قضات هم عرض می‌کنم که خدا را در نظر داشته باشید. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸/۱۶۶)

... اگر قوه قضاییه هم تبعیت نکند از آن قضاء امیرالمؤمنین که أَقْضَاکُمْ عَلَی (بهترین قضاوت کننده در بین شما علی است). (مجلسی، ۳۰۹/۴۶) و اگر تبعیت نکند از قضاوت اسلام، متشبث به همان قضاوت اسلامی نباشد، آن هم هر چه بگوید ما متمسک هستیم، بر خلاف واقع است. تمسک وقتی است که قوه قضاییه هم کارهایی که می‌کنند از روی الگوی علوی باشد که همان الگوی اسلامی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸/۱۲۷)

قوه قضاییه و هیات پیگیری (فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام) و دیگر هیات‌های مربوط و منشعب از آن‌ها در این سال جدید بر کوشش خود در اسلامی نمودن همه نهادها بیفزایند، و با قدرت تمام به کج‌رفتاران و منحرفان مهلت ندهند که با اعمال غیرانسانی - اسلامی خود عمداً یا از روی نادانی و بی‌بند و باری چهره مقدس جمهوری اسلامی را بر خلاف آنچه هست نمایش دهند. باید عدالت اسلامی در حق آنان بدون غمض عین اجرا شود. و لازم به تذکر است که در حق مجرمان و منحرفان از خدا بیخبر هم نباید از معیارهای اسلامی و حدود و تعزیرات مقرر تجاوز گردد که آن خود نیز از نظر عدالت اسلامی جرمی است که موجب کیفر است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/۲۲۷)

بررسی مباحث مربوط به نظام قضائی در وصیت‌نامه امام خمینی (ره)

- مقایسه نظام قضائی زمان پهلوی و بعد از انقلاب
امام در رابطه با تغییرات سیستم قضائی نظام نسبت به دوران پهلوی، مسئولان را به بررسی و تفکر پیرامون این تغییرات و مقایسه آن با زمان حال توصیه می‌نمایند. امام در

قسمتی از وصیت نامه، بیان داشته‌اند: "اینجانب توصیه می‌کنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملت‌هایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان برآنان چه می‌گذشته است و قبل از توجه به گرفتاری‌های این کشور طاغوت‌زده از ناحیه رضاخان و بدتر از آن محمدرضا که در طول چپاولگری‌هاشان برای این دولت بارث گذاشته‌اند، از وابستگی‌های عظیم خانمان‌سوز تا اوضاع وزارتخانه‌ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و مراکز عیاشی و مغازه‌های مسکرات فروشی و ایجاد بی‌بندوباری در تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها و اوضاع سینماها و عشرتکده‌ها و وضعیت جوان‌ها و زن‌ها و وضعیت روحانیون و متدینین و آزادی خواهان متعهد و بانوان عفیف ستم‌دیده و مساجد در زمان طاغوت و رسیدگی به پرونده اعدام شدگان و محکومان به حبس و رسیدگی بر زندان‌ها و کیفیت عملکرد متصدیان و رسیدگی به مال سرمایه‌داران و زمین‌خواران بزرگ و محتکران و گران فروشان و رسیدگی به دادگستری‌ها و دادگاه‌های انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به حال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضا دولت و استاندارها و سایر مأمورین که در این زمان آمده‌اند و مقایسه با زمان سابق و رسیدگی به عملکرد دولت و جهاد سازندگی در روستاهای محروم از همه مواهب حتی آب آشامیدنی و درمانگاه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان ملیونی و خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان در جنگ و آوارگان میلیونی افغانستان و عراق و با نظر به حصر اقتصادی و توطئه‌های پی‌درپی آمریکا و وابستگان خارج و داخلش، اضافه کنید فقدان مبلغ آشنا به مسائل به مقدار احتیاج و قاضی شرع و هرج و مرج‌هایی که از طرف مخالفان اسلامی و منحرفان و حتی دوستان نادان در دست اجرا است و ده‌ها مسائل دیگر. تقاضا این است که قبل از آشنایی به مسائل باشکال تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزند و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده‌ها امروز طفلی تازه پا و ولیده‌ی است محفوف به دشمنهای خارج و داخل رحم کنید و شما اشکال‌تراشان به فکر بنشینید که آیا بهتر نیست به جای سرکوبی باصلاح و کمک بکوشید و به جای طرفداری از منافقان و ستمگران و سرمایه‌داران و محتکران بی‌انصاف از خدا بی‌خبر، طرفدار مظلومان و ستم‌دیدگان و محرومان باشید و به جای گروه‌های آشوب‌گر و تروریست‌های مفسد و طرفداری

غیرمستقیم از آنان توجهی به ترور شدگان از روحانیون مظلوم تا خدمت‌گذاران متعهد مظلوم داشته باشید؟"

- احکام بهبود وضعیت دنیا

امام با انتقاد از تفکر افرادی که قوانین اسلام را مورد استفاده زمان حال نمی‌دانستند و یا اینکه اسلام با نوآوری و تمدن مخالف است بیان می‌دارد:

" آنچه گفته شده و می‌شود که انبیاء علیهم السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته داری دنیایی مطرود است و انبیاء و اولیاء و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم اشتباه تاسف‌آوری است... از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا بچشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوص ملت فداکار ایران از اسلام است، گاهی ناشیانه و با صراحت باینکه احکام اسلام که هزار و چهارصدسال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی مودیانه و شیطنت‌آمیز بگونه طرفداری از فداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سروکار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت بترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را بخدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند و حکومت و سیاست و سررشته‌داری برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است چه این‌ها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیاء عظام است"

و در قسمتی دیگر بیان می‌دارند:

" اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچگاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأیید اسلام و قرآن مجید است و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشاء حتی هم جنس بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالف‌اند گرچه غرب و شرق‌زدگان به تقلید کورکورانه آنرا ترویج می‌کنند، و اما طایفه دوم که نقشه مودیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌داند باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله صلی‌الله علیه و آله آن قدر که در حکومت

وسیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند. بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبت‌ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام نیز با همان انگیزه بطور وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است و پس از آن بتدریج حکومت به اسم اسلام بوده است."

- اسلامی شدن قوانین

امام بر این باور بودند که راه پیشرفت جامعه و جلوگیری از فساد و اشاعه آن در جامعه، اسلامی شدن قوانین و دادگاه‌ها می‌باشد. و این مهم جز با تغییر ساختار نظام قضایی ممکن نمی‌باشد.

در قسمت دیگری از وصیت نامه می‌فرمایند:

"اجرا قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگران و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشاء و انواع کجرویها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که بامروز زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. اگر در صدر خلقت، عدالت اجتماعی باید جاری شود و از ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده و ادعای آنکه اسلام بانوآوریها مخالف است. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوریها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچگاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأیید اسلام و قرآن مجید است."

".... وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده و تحت تأثیر تبلیغات بی‌محتوای قطب ظالم چپاولگر سرمایه‌داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید..... شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود، یک اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد و آن روزی که ان شاءالله تعالی مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود."

"... اینجانب هیچگاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی بر خلاف مقررات اسلام عمل، نمی‌کنند، لکن عرض می‌کنم که قوه مقننه و قضاییه و اجراییه با زحمات جان‌فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند..."

- جایگاه مهم منصب قضا در مراودات اجتماعی

با توجه به اینکه قضاات رابطه مستقیم با مردم و حوزه‌های خصوصی افراد دارد، لزوم داشتن صلاحیت امر قضا برای قضاات واجب و لازم می‌نمود. چرا که اگر قاضی منصوب دارای شرایط و صفات لازم جهت قضاوت نباشد، احتمال به خطا رفتن او بسیار بیشتر از قاضی دارای صلاحیت می‌باشد و خطای قاضی بعضاً غیر قابل جبران نیز می‌باشد:

"از مهمات امور مساله قضاوت است که سر و کار آن با جان و مال و ناموس مردم است. وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالی‌ترین مقام قضایی که در عهده دارند کوشش کنند اشخاص متعهد سابقه‌دار و صاحب نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست را نصب نمایند که و از شورای عالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع اسفناک و غم‌انگیزی در آمده بود با جدیت سر سامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست عدالت اسلامی است از این کرسی پر اهمیت کوتاه کنند و با پشت کار و جدیت به تدریج دادگستری را متحول نمایند و قضاات دارای شرایطی که انشاء الله با جدیت حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه مبارکه علمیه قم تربیت و تعلیم می‌شوند و معرفی می‌گردند بجای قضاتی که شرایط مقرر اسلام را ندارند نصب گردند که انشاء الله تعالی بزودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند و به قضاات محترم در عصر حاضر و اعصار آینده وصیت می‌کنم که با در نظر گرفتن احادیثی که از معصومین صلوات الله علیهم در اهمیت قضا خطر عظیمی که قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه درباره قضاوت به غیر حق وارد شده است این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام به غیر اهلش سپرده شود و کسانی که اهل هستند از تصدی این امر سرباز زنند و به اشخاص غیر اهل میدان ندهند و بدانند که همانطور که خطر این مقام بزرگ است، اجر و فضل و ثواب آن نیز بزرگ است و می‌دانند که تصدی قضا برای اهلش واجب کفایی است. (امام خمینی، ۱۳۶۶)

نظرات فقهی امام خمینی در مورد قضاوت

○ ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

حضرت امام خمینی در کتاب ولایت فقیه خویش، دلیل تشکیل حکومت اسلامی را وجود آموزه‌ها و احکام مربوط به امور مالی، دفاعی و جزائی در دین و قوانین اسلام می‌داند و بیان می‌دارد: «سنت و رویه پیغمبر صلی الله علیه و آله دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا اولاً: خود تشکیل حکومت داد... و ثانیاً: برای پس از خود به فرمان خدا تعیین حاکم کرده است.» (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۲۰)

○ در باب تجدید نظر در حکم قاضی

امام همانند تعدادی از فقیهان گذشته در نظرات فقهی خود قائل به عدم تجدیدنظر در احکام حاکم شرع بودند. به نظر ایشان چون حاکم شرع بر اساس موازین شرع و اسلام و با ادله انشاء حکم می‌نماید، دیگر دلیلی بر تجدید نظر و نقض حکم قبلی و صدور حکم جدید وجود ندارد. با این حال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به دلائلی که قبلاً به آن اشاره گردید از جمله کمبود قضات مجتهد عادل، ایشان با عدول از نظر فقهی خود به لحاظ مصلحت کشور، فتوا بر عدم اشکال استفاده از قضات مأذون در سیستم قضائی را تا زمان بر طرف شدن مشکلات و ایجاد زمینه و بستر برای تربیت روحانیون و علماء مجتهد و واجد شرایط قضاوت به طور موقت صادر نمودند، و این موضوع در اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری لحاظ شد و در سه محور خاص امکان بازنگری و اعتراض در حکم حاکم امکان پذیر گردید. ایشان در تحریرالوسیله تصریح می‌کنند: با وجود این، بعضی از فقها تنفیذ حکم قاضی برای قاضی دیگر را جایز و در برخی موارد واجب نیز می‌دانند. یجوز للحاکم الآخر تنفیذ الحکم الصادر عن القاضی، بل قد یجب اما حکم حاکم اول توسط نوشته و گفتار برای حاکم دیگر اعتبار و حجیت شرعی ندارد؛ زیرا احتمال اشتباه در آن دو وجود دارد. با این حال، اگر حکم قاضی اول در مقام اجرا، ناتمام باشد و اجرای آن متوقف بر تنفیذ حکم ثانی باشد، قاضی دوم به منزله قائم مقام قاضی اول حق اظهارنظر دارد، در مورد حقی که مورد حکم قرار گرفته است و در صورت لزوم با اعتراض محکوم علیه و عدم موافقت حکم با حق، می‌تواند حکم را نقض کند، به شرط اینکه نقض حکم غیرصحیح، برای قاضی صادرکننده حکم یا هر قاضی دیگری اگر چه قائم مقام او در استدامه نظر است، ممکن باشد. (امام خمینی، ۱۴۰۳: ج ۲، مسئله ۷، ۱۲)

○ قضاوت زنان

نظرات فقهی متفاوتی از جانب علماء اعلام در باب قضاوت زنان مطرح گردیده است، و به نظر اکثر حضرات در جواز بر قضاوت زنان شبهه و شک وجود دارد. فقهای بسیاری نظیر سید جواد عاملی، کاشف الغطاء، سیدعلی طباطبایی، سید محمد مجاهد، نراقی، ملاعلی کنی، امام خمینی (ره)، گلپایگانی و محقق خوبی شرط ذکوریت را برای قضاوت معتبر و لازم دانسته‌اند.

امام در بیان مفهوم ولایت قضایی همانند سایر فقها حقی برای قضاوت زنان در صدور وانشاء حکم قائل نبودند.

○ قضاوت حق فقهای عادل

عمل قضا و حکم کردن در بین مردم برای کسی که اهلیت آن را ندارد حرام است هر چند که در مسائل کوچک و پیش پا افتاده صورت بگیرد، بنابراین قضاوت بر کسی که خود را مجتهد عادل و جامع شرائط فتوی و حکم نمی‌داند حرام است، هر چند به نظر عامه مردم دارای اهلیت باشد.

قضاوت بر کسانی که اهلیت دارند واجب کفائی است و گاه می‌شود که این واجب کفائی واجب عینی می‌شود و آن زمانی است که در شهر و اطراف آن (البته نه اطراف بسیار دور بمقداری که رفتن بدانجا دشوار و حرجی باشد) هیچ کس که این واجب کفائی را کفایت کند به جز یک نفر پیدا نشود که در اینصورت برای آن یک نفر واجب عینی می‌شود. (امام خمینی، ۱۴۰۳: ۳۶۷/۲)

نتیجه گیری

قضاوت در اسلام یکی از امور مهم برگرفته از دستورات الهی می‌باشد. به دلیل آمیختگی قضا با اعتقادات و باور مردم، اسلام اهمیت و شرایط ویژه‌ای در جهت تعیین قاضی و صلاحیت وی قائل شده است. استقلال قضا از صدر اسلام مورد توجه و تاکید معصومین علیهم السلام قرار داشته، به طوریکه در زمان پیامبر اسلام س نیز هیچ مقامی حتی خلفاء حق دخالت در امر قضاوت نداشتند و تنها در مقابل خدا و رسولش مسئول و پاسخگو بوده‌اند.

بدون شک فرمان ۸ ماده‌ای، که خمیر مایه آن آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام می‌باشد، را می‌توان اولین اعلامیه حقوق بشر پس از انقلاب اسلامی در ایران، و یکی از تصمیمات سرنوشت ساز رهبری دانست که نه تنها در آن مقطع تاریخی دارای اهمیت زیادی بود، بلکه همواره در آینده نیز نسبت به عمل به این فرمان و اجرای آن نیاز مبرم خواهیم داشت.

تحلیل درست امام از وقایع انقلاب و مشاهده اتفاقات و خواسته‌های مشروع مردم، ایشان را بر آن داشت تا اعتماد مردم را در جهت همراهی با انقلاب جلب و حفظ نماید. ایشان به هیچ وجه مطالبات صحیح و به حق مردم را مخالفت با نظام تلقی نکردند و مخالفین را مورد سرزنش قرار ندادند. چرا که عقیده ایشان بر حفظ مردم به عنوان پشتوانه‌های نظام و اجابت خواسته‌های آنان بود.

هدف امام خمینی ره از طرح مسئله نظام قضائی و استقلال قضا در فرمان، برقراری احساس امنیت در بین مردم و جامعه‌ای بود که به لحاظ کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و احکام شرع در حکومت و جامعه، کمبود امنیت و نقض حریم خصوصی خود دست به انقلاب بزرگ و سرنوشت سازی زده بودند.

صدور فرمان ۸ ماده‌ای توسط حضرت امام در ۲۵ آذر ۱۳۶۱ نقطه عطفی در تحول نظام قضایی پس از انقلاب و اجرای قوانین شرع مقدس بر مبنای روایات وارده و بیان شده بود به عنوان مثال در بند اول این فرمان جاری شدن قوانین شرعی به ویژه در امور قضایی مورد تاکید واقع شده و در بند دوم رسیدگی به صلاحیت ماموران قضایی و پاکسازی دستگاه قضایی بیان و در بندهای بعدی مصونیت و امنیت قضایی افراد مورد تاکید قرار گرفت است. و در مرحله پیگیری اجرای این فرمان، تعیین اعضای ستاد پیگیری این فرمان (رئیس دیوان عالی کشور آیت الله موسوی اردبیلی و نخست وزیر امام)، تأکید بر برخورد با

قضات متخلف، تعیین رئیس محکمه قضات، تأکید بر جدیت در اجرای احکام الهی، حکم انحلال هیأت‌های گزینش در سراسر کشور و تأسیس هیأت‌های دارای صلاحیت، تأکید بر حفظ آبروی مردم، بیانگر اهمیت موضوع و دقت نظر امام خمینی نسبت به حفظ حقوق شهروندی و حریم خصوصی در سایه توصیه‌های اسلام و بدست قوه قضائیه می‌باشد.

امروز پس از سه دهه از آن دوران حساس باید مجدداً بر این اصول و مفاهیم نورانی که به عنوان منشور انقلاب اسلامی می‌توان از آن یاد نمود نگاهی انداخته و رفتار و اعمال خود را بر آن منطبق سازیم و از هرگونه افراط و تفریط پرهیز نمائی‌ام.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز اصول یاد شده را مبنای سخنان و گفته‌ها و نوشته‌ها و دستورالعمل‌های خود قرار داده‌اند، که این خود بهترین چراغ راهنما می‌باشد. باید همه بر این طریق حرکت نموده و کارگزاران نظام اسلامی نیز اصول یاد شده را معیار و شاخص در کارها قرار دهند. و از هر نوع اعمال سلیقه و اجتهاد شخصی و یا اجتهاد به رأی و یا شیوه‌های دیگر بجز آنچه امام (ره) و رهبری نظام اسلامی ترسیم می‌نمایند جداً پرهیز و اجتناب نمایند.

* قرآن کریم

- ۱- بهرامی، محمد کاظم، حقوق انسان از دیدگاه اسلام، سایت سازمان قضایی نیروهای مسلح.
- ۲- حبیبیان، محمد مهدی، چهل حدیث پیرامون فقه سیاسی. تهران: دانشگاه علم و صنعت، بی‌تا.
- ۳- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، کتاب قضاء، تهران: ناس، ۱۳۶۴.
- ۴- حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران.
- ۵- خمینی، روح الله (۱۳۷۰)، ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۶- _____، _____ (۱۳۷۸)، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر.
- ۷- _____، _____ (۱۳۷۵)، کشف الاسرار، تهران: تنظیم و نشر آثار.
- ۸- _____، _____ (۱۳۷۰)، وصیت نامه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۹- _____، _____ (۱۴۰۳)، تحریر الوسیله، تهران: دارالانوار.
- ۱۰- _____، _____ (۱۳۷۵)، ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۱۱- شیروانی، علی (۱۳۹۲) شرح لمعه شهید ثانی، قم: انتشارات دارالعلم.
- ۱۲- صبحی، صالح (۱۳۷۰)، فرهنگ نهج البلاغه، مترجم مصطفی رحیمی نیا، تهران: اسلامی.
- ۱۳- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
- ۱۴- علی بن ابیطالب (۱۳۶۵)، نهج البلاغه، ترجمه علی نقی فیض الاسلام، تهران: موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام.
- ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، الکافی، تهران: مصطفوی، علوم اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث.
- ۱۷- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۷۸)، قضا و قضاوت در اسلام، تهران: نشر سایه.
- ۱۸- نعمتی، احمد (۱۳۸۴)، اجتهاد و سیر تاریخی آن، تهران: ناصر خسرو.